

برای مهربان بودن باید سنگدل باشم

She thinks she's hiding this

فکر میکنه داره قایمش میکنه

but everybody in the office knows about it!

ولی همه تو اداره درباره‌ش میدونن!

It's an open secret now.

یه راز افشاشده ست الان.

Yeah it's seriously funny!

آره جدا خنده داره!

Okay...

خب

What do we have here?!

چی داریم اینجا؟!

Open Secret?

راز افشا شده؟

Seriously Funny?

جدا خنده دار؟

Look at each of these words separately.

به هرکدام از این کلمات جداگانه نگاه کنید.

They have opposite meanings

معانی متضاد هم دارن

but are used together

ولی باهم بکار میرن

and we can easily understand their meanings.

و ما به راحتی میتونیم معنیشون رو بفهمیم.

The figure of speech used here

به آرایه ی ادبی ای که اینجا استفاده شده

is called oxymoron!

میگن ترکیب متضاد!

Check out these other examples:

به این چندتا مثال دیگه دقت کنید.

Clearly Misunderstood

واضحا سوء تفاهم شده

Cruel Kindness

مهربانی بی رحمانه

Small Crowd

ازدحام کوچک

Fully Empty

کاملاً خالی

Virtual Reality

واقعیت مجازی

And happily Married!

و ازدواج با خشنودی!

Just kidding!

شوخی کردم !!

Anyway!

به هر حال

Don't confuse oxymoron with paradox.

ترکیب متضاد رو با تناقض قاطی نکن.

They're a little different.

یه کمی فرق دارن.

While Paradox is a statement

درحالیکه تناقض یه عبارت

or a group of statements

یا گروهی از عباراته

oxymoron is a combination of

ترکیب متضاد ترکیبی از

two contradictory words.

دو کلمه ی متناقضه.

A paradox makes your brain hurt

ترکیب متضاد باعث میشه که مغزتون درد بگیره

because it seems like something is true

چون انگاری که یه چیزی همزمان

and false at the same time.

هم درسته هم غلط.

In the play "Hamlet",

تو نمایشنامه ی هملت

Hamlet himself is ruminating over

هملت داره عمیقاً راجع به این موضوع فکر میکنه که

what course of action he must take

چه کاری باید

in his present circumstance.

تو اون شرایطش انجام بده.

He says:

میگه:

"I must be cruel, only to be kind."

من برای مهربان بودن باید سنگدل باشم.

Cruel to be kind?!

سنگدلی برای مهربان بودن؟!

How can these two concepts coexist?

چطور این دو تا مفهوم میتونن باهم بیان؟

And yet

و با این حال

they do make sense when the reader

وقتی خواننده به معنا فکر میکنه

considers the meaning.

این دوتا کنار هم معنی میدن.

That is the nature of a paradox.

این ماهیت تناقضه.

An oxymoron, on the other hand,

از طرف دیگه، ترکیب متضاد

is a description

یه توصیفه

enjoyed in the moment then gone.

در لحظه ازش لذت برده شد، بعد تموم.

You don't think about it twice!

دوبار درموردش فکر نمیکنی!

It's clear!

واضح!

Can you tell me examples

میتونی چندتا مثال

of an oxymoron and a paradox?

از ترکیب متضاد و تناقض بهم بگی؟

Write them in the comments!

تو کامنت ها بنویسشون!

See ya!

میبینمتون!